

!! !! !! !! !! !! !!
فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده
سال هفتم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۱
!! !!

تحلیل فرهنگی فمینیسم در رمان‌های پست‌مدرن فارسی^۱

سید محمد میر سندسی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۴

حسینعلی قبادی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۶/۲۴

احمد درستی^۴

ابوالفضل سعیدی^۵

چکیده

زنان، نیمی از ترکیب جمعیتی جوامع را تشکیل می‌دهند که با داشتن توانمندی‌های ذات‌گرایانه خود، نقشی اساسی در تکامل مرد، تربیت نسل، مدیریت عاطفی کانون خانواده و پویایی فرهنگ جامعه ایفا می‌نمایند. این قشر عظیم در گفتمان غالب عصر حاضر، حقوق و مطالبات خود را در گفتمان جنسیت و گرایش‌های فمینیستی دنبال می‌نمایند. فمینیسم، جنبشی است که با رویکرد سیاسی و حقوقی به دنبال دست‌یابی به حقوق از دست رفته زنان، رفع تبعیض جنسیت و مبارزه با گفتمان مرد محور و جلوه‌های تفکر مردسالاری، توانسته‌است، ایده‌ها و مطالبات خود را به عنوان یک گفتمان جهان‌شمول، به سایر جوامع، بسط و انتشار دهد.

امروزه فمینیسم، پویاترین و گسترده‌ترین شکل خود را در پیوند با پست‌مدرنیسم ارائه داده است. فمینیست‌ها برای بسط ایده‌های خود، از ظرفیت هنری و ادبی رمان به عنوان موثرترین ابزار و رسانه استفاده نموده‌اند. در ایران نیز برخی از رمان‌های پست‌مدرن فارسی به مسئله و موضوع زنان پرداخته‌اند، یافته‌های این تحقیق با تحلیل محتوای برخی از رمان‌های پست‌مدرن فارسی، بیانگر وجود مفاهیم و مولفه‌های اساسی فمینیسم شامل: عقب‌ماندگی زنان، مظلومیت، ستم بر آنان، حقوق زنان، آزادی زنان و نابرابری اجتماعی، در نگرش نویسندگان می‌باشد که آن نیز به نوبه خود، گویای وجود برخی از واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران در دوره معاصر در نوع نگاه به زنان بوده‌است و تا زمانی که

۱- این مقاله از رساله دکتری با عنوان (پیامدهای فرهنگی گفتمان پست‌مدرن در ادبیات داستانی) استخراج شده است.

۲- استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۳- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۴- پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۵- عضو هیات علمی و دانشجوی دکتری مطالعات فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین(ع)

این نگرش‌ها به عنوان یک واقعیت، در عین و ذهن (باور و ساختار) جامعه وجود داشته باشد، رویکرد رادیکالی فمینیسم و گرایش افراطی به گفت‌وگو جنسیت، به تشدید این دیدگاه و انعکاس آن در رمان‌های فارسی و بروز برخی پیامدهای فرهنگی و تربیتی در جامعه منجر خواهد شد.

کلید واژه: زنان، فمینیسم، پست‌مدرنیسم، فرهنگ، رمان.

مقدمه

زنان، نیمی از ترکیب جمعیتی جامعه را شامل می‌شوند که علاوه بر مدیریت عاطفی در نهاد کوچک خانواده، در نهاد جامعه نیز سهم قابل توجهی از مسئولیت‌ها را به عهده دارند و با ایفای نقش تربیتی خود، در باروری فرهنگ و ارزش‌های جامعه نقشی موثر دارند. دین اسلام بر جایگاه و کرامت زن تاکید فراوان دارد، خداوند در قرآن کریم، مردان و زنان مسلمان را در کسب فضائل و دریافت غفران و پاداش، مساوی معرفی می‌فرماید. «إن المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و ... أعد الله لهم مغفرة و أجرا عظیما» (احزاب: ۳۵).

در انقلاب اسلامی ایران نیز نگاه به جایگاه و کرامت زنان و نقش آنان در جامعه از دیدگاه‌های حضرت امام (ره) هم به عنوان یک اسلام‌شناس مترقی و هم به عنوان یک رهبر بزرگ سیاسی نشأت گرفته است. براساس جهان‌بینی حضرت امام (ره)، زنان در تعیین مقدرات، مشارکت در امور، کسب علم و مهارت‌ها و به‌ویژه در تربیت و تعمیق فرهنگ و معنویت، نقشی اساسی دارند. "زن، یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود، افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۵)".

از این رو سلامتی و سعادت جامعه در گرو نقش ارزشی زنان است. امروزه دیگر باور ذهنی و تاریخی محدودیت توان زنان و انگاره‌های فرودستی آنان در

طبقه‌بندی اجتماعی، با نقش‌آفرینی آنان در عرصه‌های مختلف و بروز قابلیت‌های منحصر به فرد خود، رو به افول نهاده است.

در جامعه معاصر ایران موضوع زنان و بیان مشکلات آنان بیش از سایر عرصه‌ها، در ادبیات، به‌ویژه در رمان و از جمله رمان‌های پست‌مدرن انعکاس یافته است. افزایش تعداد زنان نویسنده طی سه دهه اخیر، خیر از تحولی مهم در عرصه فرهنگی و ادبی جامعه می‌دهد که آن نیز به نوبه خود بیانگر تحول در ساخت اجتماعی ایران است. به گفته میرعابدینی: "اگر در فاصله دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۰ به ازای هر ۱۸ نویسنده مرد با یک نویسنده زن روبه‌رو بودیم، در دهه هفتاد و هشتاد در برابر هر یک و نیم نفر نویسنده مرد با یک نویسنده زن مواجه هستیم" (ولی زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۲). از همین رو برخی معتقدند، زنان از طریق نوشتن رمان، صدای خاموش و نادیده گرفته خود را در جامعه طنین‌افکن می‌کنند.

طرح ایده‌های فمینیستی در رمان، هرچند به ظاهر متضمن دفاع از حقوق زنان و برابری‌های اجتماعی آنان است، اما جنبه‌های افراطی و رادیکالی این نگرش، دارای پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است که می‌تواند فرهنگ و کیان خانواده و تربیت نسل را مورد چالش و تهدید قرار دهد. فرضیه تحقیق بر این نکته استوار است که فمینیست‌ها، ایده‌ها و مطالبات خود را بیش از قبل در قالب رمان‌های پست‌مدرن، بسط و انتقال می‌دهند. این مقاله با روش تحلیل محتوای رمان‌های پست‌مدرن و براساس چارچوب نظری «جامعه‌شناسی محتوای اثر ادبی (درونمایه‌ها)» در صدد کشف و ارائه پاسخ به این پرسش است: گرایش‌های فمینیسم و پیامدهای فرهنگی - تربیتی آن چیست و با چه کیفیتی در رمان‌های پست‌مدرن فارسی انعکاس یافته است؟

فمینیسم از کلمه Femininus به معنای زنانه گرفته شده است و در زبان فارسی، معادل‌هایی چون: زن‌گرایی، زنانه‌نگری و آزادی‌خواهی زنان برای این واژه تعبیر شده است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۵).

فمینیسم یک نظریه فرهنگی متاخر و جریان یا جنبشی است که در تلاش برای اثبات یا به دست آوردن حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برابر یا برتر با مردان است. یکی از توصیف‌های مهم و محوری صاحب‌نظران و منتقدین این است که فمینیسم تئوری و ایده‌ای است که براساس آن، زنان و مردان می‌بایست در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از حقوق مساوی و برابر برخوردار باشند. در واقع این تعریف، هسته مرکزی تمامی گروه‌ها و اعضای جریان فمینیسم به حساب می‌آید و می‌تواند همه گرایش‌های فمینیستی را پوشش دهد. "باید به این مسئله مهم توجه کرد که هدف اولیه فمینیسم، مبارزه برای کسب قدرت پایایی با مردان نبوده است و تنها به احقاق حقوق اولیه خود می‌اندیشیدند. پژوهش‌های موجود در مورد زنان حاکی از این است که برابری سیاسی زنان با مردان در جوامع امروزی بیشتر جنبه حقوقی دارد تا واقعی" (بشپریه، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

امروزه مطالعات روانشناختی و تربیتی نشان می‌دهد که چون زنان عهده‌دار تربیت فرزندان برای سازگار کردن آنان با محیط اجتماع می‌باشند، دارای نقش اجتماعی موفق‌تری هستند، زنان مهارت‌های شناختی گسترده‌تری خصوصاً در حوزه کلامی، حافظه دیداری و شنیداری، ارتباط و همدلی و همبستگی عاطفی نسبت به مردان دارند. با این حال قضاوت و نگاه یک‌سویه به زنان، به‌ویژه تبعیضاتی که پس از انقلاب فرانسه در مورد زنان و نادیده گرفتن حقوق اولیه آنان اعمال شد، موجب بروز واکنش و جنبش‌هایی از سوی زنان در قالب رویکردهای فمینیستی گردید.

فمینیسم، در طول حیات پرتنش خود، دچار دگردیسی و تحولات عظیمی شده، و رویکردهای متفاوتی از خود نشان داده است. از مهم‌ترین اندیشمندان و نظریه‌پردازان فمینیسم می‌توان از سیمون دوبوار^۱، مارگارت مید^۲، روث بندیکت^۳، الزی کلوز پارسونز^۴، النور لیکوک، بتی فریدن^۵، شری اورتن^۶ و میشل روزالدو نام نام برد (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۳۲).

عقاید و دیدگاه‌های متنوع، گرایش‌ها و مطالبات مختلف این جنبش و رویکردهای متفاوتی که از این جریان طی یک و نیم قرن گذشته ارائه شده است، موجب گردیده تا تعریف دقیق و جامعی از ایده فمینیستی ارائه نگردد. هواداری از حق رای زنان، رهایی، آزار زنان، جنس زنان، فمینیسم اجتماعی و فمینیسم رادیکال، تعبیر این مفهوم می‌باشد. سابقه جنبش سیاسی زنان و اندیشه‌های مربوط به آن را باید از انقلاب فرانسه به بعد پیگیری کرد. اولین بار المپ دوگوژ^۷ دوگوژ^۷ نویسنده فرانسوی در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق زن و شهروند اعلام کرد: همچنان که زنان حق دارند بالای چوبه‌دار بروند، به همین سان نیز حق دارند بالای سکوی خطابه بروند (بشیریه، ۱۳۸۵: ۲۹۰).

پس از انقلاب فرانسه تا کنون، فمینیسم دارای سه موج مهم بوده است، امواجی که با اعتدال و حالت میانه آغاز و پس از رسیدن به اوج افراط، امروزه با رویکرد تعدیلی به اهداف خویش ادامه می‌دهند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۸۶ و رضوانی، ۱۳۸۲: ۳۱). به دلیل محدودیت در فضای مقاله از معرفی این امواج خودداری می‌شود.

-
- ۱-Simone De Beauvoir
 - ۲-Margaret Mead
 - ۳-Ruth Benedict
 - ۴-Elsie Clews Parsons
 - ۵-Betty Friedan
 - ۶-Sherry Ortner
 - ۷-Marie Olympe De Gougees

گرایش‌های فمینیستی

فمینیسم، یک گرایش و مکتب واحد نیست و مانند بیشتر جریان‌ها، تداخل‌ها و ناهماهنگی‌هایی در ارزش‌های بنیادین خویش داشته که این مسائل باعث ظهور گرایش‌ها و مکاتب متعدد در درون فمینیست‌ها گردیده‌است. متفکران و اندیشمندان مطالعات زنان تا به امروز، چند گرایش مهم از فمینیسم را مورد توجه و تحلیل قرار داده‌اند: لیبرالی، مارکسیستی-سوسیالیستی، افراطی و پست‌مدرنیستی که در این بخش به دلیل محدود بودن فضای مقاله، فقط گرایش پست‌مدرنیستی فمینیسم بیان می‌گردد.



گرایش و امواج فمینیسم

موج سوم فمینیسم به عنوان یک جریان معرفتی پست‌مدرنیسم، پیامد تزلزلی است که در بنیان‌های معرفتی از دهه‌های پایانی قرن بیستم به وجود آمد (پارسانیا، ۱۳۸۴: ۱۷۷). فراسر^۱ در ارتباط با مسائل پست‌مدرنیسم و فمینیسم بر این باور است که فمینیست‌ها نیز شبیه پست‌مدرنیست‌ها، باید به بسط و گسترش

۱ -Nanca Fraser

پارادایم‌های جدیدی درباره نقادی اجتماعی اقدام کنند. کورت^۱ نیز بر این باور است که فمینیسم از پست‌مدرنیسم بسیار تأثیر پذیرفته و به نحوی مدیون آن نیز هست. به عنوان مثال پست‌مدرنیست‌ها با تأکید بر ساختارزدایی و فراهم کردن شرایط مطلوب برای زدودن هر گونه ساختار مفروض و منطقی، زمینه مناسبی برای ایده‌های فمینیستی از جمله نفی تقسیم‌بندی‌های ساختارمند و سستی بین مرد و زن، سیاه و سفید، طبقه متوسط و بالا و... را فراهم نموده‌اند (صادقی، ۱۳۹۰: ۹).

گرایش پست‌مدرنیستی فمینیسم، حذف مردسالاری را محور عمده مطالعات خویش قرار داده است. پست‌مدرنیست‌ها به دلیل آنکه با ارائه هرگونه تفسیر واحد و جهان‌شمول از جهان مخالفت می‌کنند، در باب مسائل زنان نیز معتقدند: همه نگرش‌های فمینیستی چون در جهت ارائه تفسیری واحد و جهان‌شمول از زنان برآمدند، دچار مشکل هستند. به نظر این دسته از فمینیست‌ها، اساساً ارائه تفسیری واحد و کلی در باب واقعیت، حقیقت، معرفت اخلاق و سیاست، در واقع تداوم فرهنگ مردسالارانه است. پس‌اساختارگرایی چون میشل فوکو و ژاک دریدا، تلاش کردند تفسیرهایی از فمینیسم ارائه دهند. به نظر دریدا، با توجه به دو قطبی بودن کاربردهای زبان، مانند زمین و آسمان، ماده و روح، زن و مرد، باید این‌ها را از برداشت‌های مابعدالطبیعه‌ای رها کرده، بنیادهای ساخته شده آن را مورد سؤال قرار داد. به تعبیری دیگر، آنها باید ساخت‌شکنی شوند (قادری، ۱۳۷۹: ۱۳۹-۱۳). نظریه اجتماعی فمینیست پست‌مدرن، بر ضرورت انفکاک محیط‌های زنانه از مردانه تأکید می‌کند و معتقد است: ذهن، زبان، فرهنگ، دانش و جهان‌بینی زنانه و مردانه با هم تفاوت کامل دارند از این رو تفکیک محیط زنان

۱ - Vonn Egut, Kurt

از مردان، لازمه دستیابی به توانایی‌های زنان در نقش آفرینی اجتماعی است (صالحی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

پیشوند (post) در فارسی عبارت است از «پس»، «پسا» و «فرا» و (modernism) یعنی تجددگرایی و نوگرایی). تاریخچه پیدایش و کاربرد اصطلاح پسامدرنیسم به روشنی نشان می‌دهد که نظریه‌پردازان گوناگون این اصطلاح را برای توصیف مجموعه‌ای از موضوعات مختلف به کار برده‌اند و در مورد اینکه مصداق پسامدرنیسم چیست، اتفاق نظر ندارند. برای مثال نظریه‌پردازی مانند ایهاب حسن^۱ پسامدرنیسم را مترادف شکل‌گیری زیبایی‌شناسی جدید می‌داند. ژان فرانسوا لیوتار^۲ و دیوید هاروی^۳ آن را یک وضعیت اجتماعی می‌نامند. استیون کانر^۴ استدلال می‌کند که پسامدرنیسم نوعی فرهنگ است. نظریه‌پرداز مارکسیست، فردریک جیمسن^۵ آن را عنصر مسلط در فرهنگ سرمایه‌داری متاخر می‌داند. لیندا هاچن^۶ مجموعه‌ای از جنبش‌های ادبی را که خودآگاهانه از هجو برای بازنمایی ادبی استفاده می‌کنند، پسامدرنیست می‌نامد. زیگمونت باومن^۷ آن را مترادف با امر اخلاقی یا سیاسی می‌داند. از نظر بودریار^۸، فوکویاما^۹ و جیانی واتیمو^{۱۰} پسامدرنیسم، دوره پایان تاریخ است. ارنستو لاک^{۱۱} آن را افق نوینی در

۱- Ihab Hassan
 ۲- Jean Francois Lyotard
 ۳- David Harvey
 ۴- Steven Connor
 ۵- Fredric Jameson
 ۶- Linda Hutcheon
 ۷- Zygmunt Bauman
 ۸- Jean Baudrillard
 ۹- Francis Fukuyama
 ۱۰- Gianni Vattimo
 ۱۱- Ernesto Laclau

تجربیات فرهنگی، فلسفی و سیاسی توصیف می‌کند و تری ایگلتون^۱ آن را توهّم می‌داند (پاینده، ۱۳۹۰: ۲۳).

مهم‌ترین ویژگی‌های پست‌مدرنیسم که غالب تعاریف و دیدگاه‌ها در مورد آنها اتفاق نظر دارند، عبارتند از: نفی فرا روایت‌ها و بی‌اعتباری نظریه‌های کلان، عدم قطعیت و حتمیت، شکاکیت و نسبی‌گرایی، پلورالیسم، پراکندگی، عدم وجود حقیقت مسلم، ناپیدایی مرز تخیل و واقعیت، ساختار شکنی و شالوده افکنی، نفی وحدت‌گرایی و اعتقاد به کثرت و نسبیت، اخلاق گفتمانی، مرکز‌گریزی، بنیادگریزی و ساختار شکنی و آن‌گونه که ویلیام سایمون تاکید نموده است: فمینیسم نیز یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مولفه‌های جریان پست‌مدرن محسوب می‌گردد (نوذری، ۱۳۸۵: ۴۳۵).

یکی از گرایش‌های مهم در پست‌مدرن، توجه و تاکید زیاد بر فمینیسم و مسئله زنان است، هرچند پیدایش رگه‌ها و تفکرات فمینیستی به قبل از دوره پست‌مدرن برمی‌گردد، اما تجلی و تبلور این جریان و بروز و ظهور کامل آن در جریان پست‌مدرن است، پست‌مدرن‌ها با به متن آوردن حاشیه‌ها، موضوع زنان را نیز در محور مباحث کلیدی خود قرار دادند و از این جهت است که به نظر غالب نظریه‌پردازان و شارحان پست‌مدرن، فمینیسم از ویژگی‌های پست‌مدرنیسم محسوب می‌شود. البته ادبیات پست‌مدرن نیز بیشتر از سایر عرصه‌ها توانسته به زنان و موضوعات آنها بپردازد. این رویکرد در غالب رمان‌ها، حضوری پررنگ دارد. لیندا جی نیکلسون در کتاب (فمینیسم - پست‌مدرنیسم) با گردآوری مقالاتی، در پیوند فمینیسم با پست‌مدرنیسم سعی کرده تا مبنای نظری جدید و نیرومندی برای درک فمینیسم معاصر و جنبش زنان دهه ۱۹۸۰ در فضای پست‌مدرنیسم ارائه دهد (نوذری، ۱۳۸۸: ۴۹۳).

۱- Terry Eagleton

هال فاستر^۱ در فرهنگ پست‌مدرن (۱۹۸۳)، همگرایی میان پست‌مدرنیسم و فمینیسم را به تفصیل شرح می‌دهد و تاکید می‌کند که فمینیسم همچون پست‌مدرنیسم، بی اعتبار شدن روایت‌های بزرگ را در این می‌داند که در طول تاریخ هر آنچه اشاره شده است، در پیوند با مردان و آن هم در فرهنگ و طبقه و نژاد و آرمان‌های خاص مردانه بوده است (قره باغی، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

فمینیسم و رمان^۲

رمان از واژه انگلیسی نول و در اصطلاح، روایتی داستانی و نسبتاً طولانی است که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها به تصویر می‌کشد (داد، ۱۳۷۲: ۱۴۴). رمان، جدی‌ترین نوع ادبی از جهت در آمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود و اهمیت آن وقتی بیشتر می‌شود که جوامع دچار دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شوند، رمان، بیش از هر قالب ادبی توان توصیف و ترسیم این تحولات را دارد و به همین سبب بسیاری از منتقدان از جمله: ویلیام هزلیت^۳ و ای.ام. فورستر^۴ ادبیات داستانی و رمان را بازآفرینی واقعیت دانسته‌اند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۰۵-۴۱۱).

رمان تنها اثر ادبی است که برخی از زنان نویسنده نامدار در آن سهم هستند و نویسندگان زن غالباً رمان را بر دیگر انواع ادبی ترجیح می‌دهند. به عقیده مایلز، زنان برای بیان خود و دنیای خود رمان را اختراع کردند و به نوعی در آفرینش این اثر ادبی پیشرفت کردند که می‌توان ادعا کرد با همه برتری‌هایی که مردان در طول تاریخ ادب معاصر داشته‌اند، زنان را در نگارش فرم ادبی رمان، موفق‌تر از مردان دانسته‌اند (حسینی، ۱۳۸۴: ۹۶). " از دیدگاه اسپنگلر، پیدایش رمان به این

۱ -Faster Hall

۲- Novel

۳ - william Hazlitt

۴ - Edward Morgan Forster

دلیل بود که انسان فراتاریخی عصر جدید احتیاج به نوع ادبی جدیدی داشت که بتواند به کل زندگی بپردازد" (پاینده، ۱۳۸۹: ۳۱). وقتی شخصیت‌های زن در آثار ادبی، یا جنسیت‌گرایی منتقدان مرد، یا نقش محدود زنان در تاریخ ادبیات را بررسی کنیم، هیچ چیز راجع به احساسات و تجربیات زنان در نمی‌یابیم، بلکه فقط می‌فهمیم که به زعم مردان، زنان چگونه باید باشند (پاینده، ۱۳۷۶: ۱۲۲).

تحلیل فرهنگی رمان‌های پست‌مدرن فمینیستی، به لحاظ وجه کارکردگرایی و رسالت اجتماعی این اثر ادبی در تحولات فرهنگی، به عنوان پدیده‌ای کنشگر و محرک گروه‌های اجتماعی بر تعامل دوسویه ادبیات و جامعه استوار است. آثار ادبی از جامعه و زمانه، از اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جامعه خود تأثیری تعیین‌کننده می‌پذیرند. رمان، به‌ویژه در عصر جدید همواره به عنوان آینه اجتماع تلقی شده است و این دو با هم رابطه‌ای دوسویه دارند. رمان، علاوه بر تأثیر پذیری از اوضاع و احوال اجتماعی، در شکل دادن به فرهنگ نیز مشارکت دارد، از این رو برای تحلیل رمان‌های فمینیستی و کشف آثار فرهنگی در آنها از نظریه «جامعه‌شناسی محتوای اثر ادبی (جامعه‌شناسی درونمایه‌ها)» ارائه شده از سوی هانری زالامانسکی استفاده شد. در این رهیافت نظری، پیوند میان متن ادبی و گرایش‌های فکری و طبقاتی رایج در جامعه، بررسی می‌شود. در این نظریه، محتوا و درونمایه اثر ادبی به عنوان وسیله‌ای برای بررسی میزان انعکاس تغییر و تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسی محتوا در حقیقت، اثر ادبی را به عنوان سندی اجتماعی بررسی می‌کند. از نظر زالامانسکی، عواملی درونی و برون‌ی، بر شکل‌گیری افکار و اندیشه نویسندگان متون ادبی و رمان‌ها تأثیر می‌گذارد که جنس این تأثیرات فرهنگی و ایدئولوژیک است و نویسنده نیز این دریافت‌ها را در اثر ادبی خود بازتاب می‌دهد. براین اساس رمان‌های پست‌مدرن فارسی که با نگرش فمینیستی

به بازتاب مسائل اجتماعی و حقوق زنان پرداخته‌اند، با این نظریه تحلیل می‌گردد.

فمینیسم و مفاهیم اساسی آن در رمان‌های پست‌مدرن فارسی

ادبیات فاخر ایران با داشتن بزرگ‌ترین گنجینه‌های شعر و نثر فارسی، از خود چهره‌ای متمایز و درخشان در جهان بر جای گذاشته است و همواره در طی هزار سال گذشته این آثار گرانسنگ، برتری و اهمیت فرهنگ و دانش واندیشه‌ورزی ایرانیان را به نمایش گذاشته است که هرچه زمان به جلو می‌رود از ارزش‌های آن کاسته نخواهد شد. با همه این افتخارات غیر قابل انکار، ادبیات سنتی ایران، مرد محور می‌باشد و کمتر نگاهی به زنان و توانمندی‌های اجتماعی آنان دارد. هرچند در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و برخی دیگر از آثار فاخر ایران به زنان اشاره‌ای شده است، اما این موضوع قابل توجه نمی‌باشد.

در دوران مدرن و به‌ویژه پس از مشروطه و تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه ایران، تغییراتی نیز در ادبیات داستانی ایجاد شد و نویسندگان ایران به رمان که اثر ادبی مدرن تلقی می‌شود، روی آوردند و یکی از مضامین و درونمایه‌های اصلی رمان‌ها در عصر جدید، موضوع و مسائل زنان شد که این گرایش هم توسط نویسندگان مرد و هم معدود زنان نویسنده ایران آغاز شد. سیمین دانشور نخستین زن رمان‌نویس ایران (متولد ۱۳۰۰) است که اولین مجموعه داستانی خود را در سال ۱۳۲۷ انتشار داد، سووشون عنوان اولین رمان اوست که علاوه بر دیگر داستان‌های او، دو رمان جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان در دهه پایانی عمر او به شیوه پست‌مدرن انتشار یافت. به دنبال او زنان دیگری نیز به نویسندگی روی آوردند که با چشم‌انداز زنانه خویش به زندگی، جامعه، انسان‌ها، آروزها، یاس‌ها و امیدها و به همه مظاهر اجتماعی و فرهنگی

عاطفی خود می‌نگرند و دل‌مشغولی‌های فردی و ذهنی خود را به تصویر می‌کشاند.

زنان که در رویدادهای انقلاب و دفاع حضوری جدی داشتند، در این مرحله از تحول اجتماعی به درکی دیگر و شناختی تازه از خود و موقعیت‌شان در جامعه رسیدند. آنان با نوشتن رمان، در پی کسب فردیت و هویت گمشده خویش به عنوان یک زن، جایگاه درخوری در ادبیات زنان می‌یابند. اینان که می‌توان آنها را نسل جدید زنان نویسنده دانست عبارتند از: گلی ترقی، مهشید امیرشاهی، مهین بهرامی، شهرنوش پارسی پور، زویا پیرزاد، غزاله علیزاده، سپیده شاملو، خاطره حجازی، منیژه آرمین، راضیه تجار، فرشته ساری، فریبا وفی، مریم صباغ زاده، ناهید طباطبایی، زهره حکیمی، زهرا زواریان و... که در آثار خود درعین اینکه به رخدادهای اجتماعی، سیاسی و تاریخی پرداختند، به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در یک مرحله تغییر و تحول اجتماعی و انتقاد از سنن کهنه جامعه مردسالار همت گماشتند و برخی از آنها نیز به سبک و شگردهای پست‌مدرن روی آوردند و مشکلات و حقوق زنان را در قالب شخصیت‌های اصلی در رمان‌های خود منعکس نمودند.

روش

در این بخش تعدادی از رمان‌های فارسی به عنوان جامعه نمونه برای تحلیل انتخاب شده است که در این گزینش چند اصل اولویت داشته است:

الف) تلاش گردید نیمی از رمان‌های مورد نظر، از نویسندگان زن در سه دهه اخیر انتخاب گردد، زیرا بیان تجربیات زنانه، نیازمند ذهنیت، فضای روانی و نگارش زنانه است، و نیم دیگر رمان‌ها از نویسندگان مرد انتخاب شده است، چون برخی از نویسندگان مرد نیز در بیان تجربیات فمینیستی کاملاً موفق بوده‌اند.

ب) این رمان‌ها، بیشتر مورد توجه و اقبال خوانندگان به‌ویژه زنان جامعه قرار گرفته است. تعداد تجدید چاپ این رمان‌ها و همچنین میزان نقد و ارجاع به آنها، بیانگر اقبال بیشتر مخاطبان به این رمان‌ها می‌باشد.

ج) در این رمان‌ها از گرایش و شگردهای پست‌مدرن استفاده شده باشد.

یافته‌ها

رمان کولی کنار آتش (۱۳۷۸) نوشته منیرو روانی‌پور از رمان‌های پسامدرن محسوب می‌گردد (تدینی، ۱۳۸۸: مقدمه). در این رمان به زنان و مسئله آنان در جامعه ایران توجه و تاکید زیادی شده است (در سایر آثار این نویسنده که خود زنی از اقلیم جنوب ایران و زاده روستایی کنار بوشهر و توام با باورها و اعتقادات سنتی و اقلیمی است و زندگی پر فراز و نشیبی در پیش و پس از انقلاب داشته است، درونمایه آثار او انعکاس مسائل اجتماعی و باورهای عمومی نسبت به زنان می‌باشد). "زنان و مصائب آنان و مظلومیت زن‌های آواره، هرجایی و بیوه بخش بسیاری از آثار روانی‌پور را دربرمی‌گیرد" (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۴۴). شخصیت اکثر زن‌ها در داستان‌ها و رمان‌های او افرادی طرد شده و فراموش شده و در تیرگی غربت، استیصال، روان پریشی و همراه با پلشتی و آلودگی‌های اجتماعی است که این ویژگی‌ها به نحوی بازتاب ذهنیات و یا بازنمایی زندگی خود نویسنده است. در این رمان بر محوریت زنان تاکید شده است، شخصیت اصلی داستان دختری است به نام آینه و دیگر شخصیت‌های زن این داستان عبارتند از زن صورت سوخته، مریم، نیلی، قمر، سحر و گل‌افروز. نگاه روانی‌پور به زنان، مبتنی بر نادیده گرفتن حقوق زن، ناپاکی مردان و کامیابی نامشروع آنان از زنان این قصه می‌باشد (ص ۶۴)، گرفتاری زنان در باورهای غلط و تعصبات قبیله‌ای (ص ۹۱) و سرانجام سرگردانی شخصیت اصلی و دیگر شخصیت‌های زن این رمان در اوضاع آشفته اجتماعی و حتی تن دادن آنان به برخی هرزگی‌ها و ناهنجاری‌های

اجتماعی است. قانون قافله (ص ۱۳)، مراسم گیسوچینان (ص ۹۱)، رقص زنان برای درآمد قبیله (ص ۵)، ازدواج اجباری با مردان قبیله، جرم بودن ارتباط زن با فردی خارج از قبیله (ص ۷۳) و بسیاری دیگر از باورها و سنت های بومی مردم بوشهر و شیراز در دهه ۱۳۴۰ و ۵۰ از نمودهای مفهوم نجات زن و انعکاس مسائل زنان و لزوم توجه به آنان است. در دیگر آثار روانی پور نیز شخصیت‌های اصلی زن هستند، کنیزو زن روسپی در رمان «کنیزو و مریم»، گلپر در رمان «شب بلند»، فانوس در قصه «طاووس‌های زرد»، مانا در قصه «مانی مهربان»، در قصه «مشنگ» هم شخصیت اصلی قصه، زن است، در قصه «جمعه خاکستری» شخصیت اصلی، زن مطلقه است، در قصه «هروس» هاسمیک و در رمان «اهل غرق» که به شیوه رئالیسم جادویی نوشته شده، پریان دریایی، در چهره زن تصویر شده‌اند.

در رمان "آزاده خانم و نویسنده‌اش" اثر رضا براهنی (۱۳۸۰) که با بهره‌گیری از آموزه‌های پست‌مدرن نگاشته شده است (پاینده، ۱۳۸۶: ۴۵ و تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۸۸)، همان‌گونه که از عنوان رمان برداشت می‌شود؛ شخصیت اصلی داستان، آزاده خانم است و اهمیت او تا جایی است که عنوان نویسنده‌اش با حرف ربط "و" بعد از نام شخصیت قصه آمده است. این رمان به دلیل غلبه شخصیت‌های زنانه و پرداختن به مسائل خانوادگی و مناسبات خانواده حول شخصیت آزاده خانم از جنبه فمینیستی برخوردار است و کنش‌های داستانی، بیشتر بر محوریت زن قرار گرفته است. یکی از وجوه ممتاز گرایش فمینیستی این رمان کاربرد واژه «آزاده» است که تعدا تداعی‌کننده آزادی برای زنان است، براهنی در این رمان به این مطلب اشاره دارد که:

"پس انتخاب نام آزاده بی دلیل نیست، شخصیت است که قصه را می‌نویسد نه برعکس، بهتر است قصه‌نویس، فقط کاتب آزاده خانم باشد، نه قصه نویس او" (۵۶۲).

"من شخصیتی هستم که از رمان‌نویس اطاعت نمی‌کند، هر وقت دلش خواست، ظاهر می‌شود، او به دلخواه هیچ کس جز خودش کاری ندارد." (۲۱۱)"
 "در جایی آزاده خانم به دکتر شریفی (نویسنده) می‌گوید: تو قصه مرا می‌نویسی و فراموش می‌کنی که موقع نوشتن قصه من، من خودم دارم قصه‌ای را می‌نویسم که در آن تو داری قصه مرا می‌نویسی." (۲۱۰)"

نویسنده با استفاده از لحن طنزآمیز در انتخاب نام آزاده خانم به عنوان شخصیت اصلی داستان دقت کرده است. مثلاً نام آزاده از مفهوم آزاد بودن و آزادگی، نمادی است برای به تصویر کشیدن اسارت زن ایرانی در تمام طول داستان، از شکنجه و مرارت و تلاش‌های او در عرصه تخیل برای گریز از این وضع و در پایان خودکشی دردناک آزاده خانم و همچنین انتخاب نام «چهر آزاد» که در سفر آزاده خانم به قرن نوزدهم با او همراه بوده است، توجه به همین جنبه آبرونیک، زنانه‌نگری است (تدینی، ۱۳۸۸: ۳۵۵). در این رمان، رویدادهای طرح یا پیرنگ داستان بر محور احساسات و اعمال شخصیت آزاده خانم شکل می‌گیرد و شخصیت زن در این رمان موجودی منفعل و واجد هویت ثانوی تصویر نشده است، بلکه او در کانون روایت و نیز در کانون دنیایی است که خود این روایت برای ما توصیف می‌کند. در روایت دوم این داستان، زن نامشروع بیل کاف رئیس جمهور آمریکا با سه چشم تصویر شده است که همیشه از یکی از این چشم‌ها استفاده می‌کند و مردم راجع به آن دو چشم دیگر، افسانه‌ها ساخته‌اند. زن سه چشم در این داستان، متکثر است.

در رمان باغ بلور نوشته مخملباف (۱۳۶۵)، که وی در صفحه اول رمانش تعدداً این اثر را به زنان ایران (زن مظلوم این دیار) تقدیم می‌کند، موضوع و مضمون اصلی قصه با زنان است، هرچند اصل روایت به تبعات اجتماعی و خانوادگی جنگ می‌پردازد، اما ساماندهی روایت با موضوع زنان و سرنوشت آنها در جامعه

پیوند خورده است. لایه، همسر منصور، سوری همسایه لایه، ملیحه، عالیه خانم، مادر احمد و خورشید خانم از زنان این رمان هستند که هریک به فراخور حال خود نقشی در قصه دارند و با توجه به اینکه نویسنده توجه عمده خویش را به زنان معطوف کرده است، جنبه فمینیستی این رمان قابل تحلیل است (عسگری، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۷).

در این رمان سرنوشت ناخواسته زنان به جامانده از پیامدهای جنگ عراق علیه ایران و زندگی همراه با مشقت و فراز و فرودهای هنجاری زنان در تحمل مصائب شوهر، نمود دیگری از نمودهای فمینیسم را تداعی می‌کند که به طور غیر مستقیم منفعل بودن زنان را در تغییرات اجتماعی و تحمل شرایط ناخواسته بازتاب می‌دهد. همه زنانی که در این رمان و حوادث آن نقش دارند با مظلومیت مطلق تصویر شده‌اند که اسیر جبر اجتماعی هستند و در برابر حوادث ایجاد شده نمی‌توانند عکس‌العملی نشان دهند. تحلیل وضعیت روحی و روانی همسران شهدا و جانبازان و سرگشتگی‌های اجتماعی آنان در پی از دست دادن شوهران‌شان درونمایه اصلی این رمان است که بر جنبه‌های فمینیستی تاکید دارد.

سیمین دانشور، شاخص‌ترین و برجسته‌ترین زن نویسنده ایرانی است که علاوه بر نوشتن رمان‌های ارزشمند و متعدد خود در سبک مدرن و رئالیسم، دو رمان جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) و ساریبان سرگردان (۱۳۸۰) را با رویکرد پست مدرن نوشته است. پاینده درباره این دو رمان تاکید دارد: در میان نویسندگان معاصر، دانشور کسی است که پویایی منحصر به فردی در زمینه داستان‌نویسی به سبک و سیاق پسامدرنیستی دارد (پاینده، ۱۳۸۱: ۷۴). دانشور از نویسندگانی است که آگاهانه داستان‌هایش را به بستری برای روایت دشواری‌ها و معضلات زنان ایرانی

تبدیل کرده است. وی علاوه بر پرداختن به دغدغه‌ها و دشواری‌های زنان طبقات فرودست، به زندگی زنان طبقات مرفه نیز می‌پردازد.

در رمان جزیره سرگردانی که وقایع آن در دهه ۱۳۵۰ رخ داده است، شخصیت محوری قصه، دختری به نام هستی است که در دوران دانشجویی به سیاست روی می‌آورد و تمام این رمان پیرامون زندگی، مبارزات سیاسی و سرگردانی عشق (ایدئولوژیک) او به سلیم و مراد دور می‌زند، سلیم مظهر عرفان اسلامی و مراد مظهر چپ و مارکسیسم است. در پایان جزیره سرگردانی او با دوری از مراد با سلیم ازدواج می‌کند. اما دیری نمی‌پاید که در رمان ساربان سرگردان دوباره هستی از سلیم جدا و به ازدواج با مراد (چپ‌گرایی رادیکال) رو می‌آورد. "انتخاب اسلام در مقابل مارکسیسم ظاهرا از دست یافتن هستی به یقین حکایت می‌کند، اما رمان ساربان سرگردان این تصور خواننده را باطل می‌کند. زیرا ازدواج با سلیم به سرگردانی‌ها و اضطراب وجودی هستی پایان نمی‌دهد و نهایتاً به مراد چپ‌گرا روی می‌آورد".

مضمون اصلی این رمان، سرگردانی ایدئولوژیک نسلی است که در دهه ۱۳۵۰ هویت مستقلی برای خود کسب کرد (سرگردانی میان اسلام و مارکسیسم که "مراد" مظهر مارکسیسم و "سلیم" مظهر اسلام است). مظهر تمام عیار این سرگردانی، شخصیت هستی است. این رمان، وقایع تاریخ ۲۵ ساله اخیر ایران را نه از منظر مردسالارانه، بلکه از نظرگاهی کاملاً زنانه بازگو می‌کند و از آنجا که همواره یک زن روایت این داستان را به عهده دارد، دیدگاه زنانه (فمینیستی) تقریباً در سرتاسر رمان غلبه دارد و از همین نگاه، فرزانه میلانی هم در باره این دو اثر معتقد است: این دواتر دانشور تحت سیطره زنان است. تحرک طبقاتی زنان داستان‌های دانشور، بیشتر برآمده از پایگاه و موقعیت اجتماعی مردان آنهاست. دانشور با نگاه زن‌مدارانه خود در این دو رمان، سه نسل زن را در سه مقطع

تاریخی به تصویر می‌کشد، ابتدا مادر بزرگ (خانم نوریان) که به اصالت‌های سنتی، فکری و عاطفی دهه سی تعلق دارد، دوم مادر عشرت که نمایانگر دوره بی‌ریشگی سال‌های بعد از کودتا ۲۸ مرداد تا اوایل انقلاب است که هویت او خدشه‌دار شده‌است و سوم هستی که نماینده نسلی است که بین دو شیوه فرهنگی، دو طبقه اجتماعی و دو نوع طرز تفکر متفاوت سرگردان است.

زویا پیرزاد از نویسندگان زن در دو دهه اخیر است که داستان و رمان‌های او مورد توجه قرار گرفته است. او در برخی از رمان‌ها به آموزه‌های پست‌مدرن گرایش پیدا می‌کند، رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» از رمان‌های معروف اوست که جنبه فمینیستی آن مورد توجه است. در این رمان که نویسنده و راوی آن یک زن ارمنی ساکن آبادان است، چندین زن حضور دارند. همه آنها شخصیت‌های مختلف دارند که متفاوت از هم می‌اندیشند و هر کدام از آنان نمادی برای کلیشه‌های متعارف زنان در جامعه شرقی هستند. پیرزاد از نویسندگان زنی است که در آثار خود از جمله این رمان و رمان «عادت می‌کنیم»، به بیان تجربیات و احساسات زنانه پرداخته‌است که این تجربیات زنانه نه از نگاه مردانه که از درون ذهن زنانه بیان شده‌است. در نگارش زنانه لاجرم گفتمان مردانه کاملاً تغییر می‌کند، یعنی در این نوع رمان، زنان سوژه هستند نه ابژه، (پاینده، ۱۳۸۳: ۲۹). به تعبیر دیگر، ذهنیت و صدای زنانه بر دیگر ذهنیت‌ها و صداها غلبه دارد.

"برای کلاریس شخصیت اول این رمان، زندگی از آشپزخانه آغاز می‌گردد و در پختن غذاهای خوشمزه برای خانواده‌پ ختم می‌شود (پیرزاد، ۱۳۸۳: ۲۳). اما در این تسلسل زنجیری و روزمرگی که هر روز تکرار می‌شود، کلاریس حس می‌کند چیزی کم دارد و در پی شناخت همان حلقه گمشده شخصیت خود برمی‌آید. او که سرگشته و حیران می‌خواهد موقعیت خود را در بین فرزندان و

شوهر بی‌اعتنایش جستجو کند، درمی‌یابد که برای شوهر و فرزندانش به یک شیء یا ابزار شده که می‌توانند در زندگی خود او را به کار بگیرند و یا کنار بگذارند. "از وقتی که خودم را شناختم فقط تحمل کردم. اول برای پدرم، بعد شوهرم، حالا پسر و نوه‌ام. هیچ وقت کاری را که دوست داشتم نکنم، نکردم (همان: ۱۸۲)".

در بخشی از داستان، راوی می‌گوید: خانم نورالهی در تالار اجتماعات در مورد زنان صحبت می‌کرد، او با صدای نازک و کشیده گفت: در خاتمه یادآوری می‌کنم که ما تا کنون در این راه بسیار کوشیده‌ایم، خیلی فریادها از حلقوم زن ایرانی برخاسته، چیزی که هست این فریادها به هم و در یک جهت نبوده است (همان: ۷۷). کلاریس در ادامه می‌گوید: خانم نورالهی زن لایقی بود هم کار خانه می‌کرد، هم فعالیت اجتماعی داشت، من غیر از کار خانه چه می‌کردم؟ (همان: ۷۹). در این رمان بی‌توجهی آرتوش به همسرش کلاریس و عقیده او از نمودهای نگاه غلبه فمینیسم است. او می‌خواهد با گفتن: چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، نقطه‌ای بر پایان روز گذاشته باشد و از بودن خود مطمئن شود. "جواب نداد، خوابش برده بود، من هم چراغ خواب را خاموش کردم و به صدای یکنواخت کولرها گوش دادم (همان: ۱۱۶)".

ناهید طباطبایی (متولد ۱۳۳۷ در تهران) و از رمان‌نویسانی است که برخی از داستان‌های او با رویکرد پست‌مدرنیستی نوشته شده‌است "از جمله داستان مسابقه او از مجموعه داستانی «حضور آبی مینا» از جنبه عنصر غالب وجودشناسی، رمانی پست‌مدرن محسوب می‌گردد (پاینده، ۱۳۹۰: ۳۴۶).

در آثار این نویسنده، زنان، نقشی اصلی و برجسته دارند از جمله در مجموعه داستانی «بانو و جوانی خویش» پیرزنی که زمانی دختر جوانی بوده که زن مردی خیانتکار شده و اکنون به فکر انتقام است. در داستان «جامه دران» و رمان چهل

سالگی که هر دو به فیلم تبدیل شده‌اند، مسائل و موضوعات زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. در رمان «چهل سالگی»، آلاله دشتی، زن جوانی است که به مرز چهل سالگی نزدیک می‌شود، اما چون به خواسته‌هایش نرسیده، احساس پیری می‌کند. در رمان «خنکای سپیده دم سحر» شیدا دختر اهوازی جنگ‌زده‌ای است که به جرم فروش مواد مخدر چندین بار به زندان محکوم شده است. در بندی که شیدا در آن به سر می‌برد زنان دیگری نیز هستند که جرم‌های متفاوت دارند: زنی شوهر معتادش را به سبب آنکه می‌خواسته دخترش را به خاطر پول به مرد دیگری بفروشد، کشته است. زن دیگری شوهرش را کشته است تا با جوان مورد علاقه‌اش زندگی کند. زنی دیگر سارق مسلح بود، ضمن آنکه از کودکان یتیم نگهداری می‌کرد. همچنین دخترانی در بند هستند که به سبب مشکلات خانوادگی از جمله نقش «زن پدر» حوادثی آفریده‌اند. در داستان «حضور آبی مینا»، طاهره شهابی، بهترین پرستار بیمارستان‌های تهران ایفای نقش می‌نماید. دو رمان دیگر این نویسنده عبارتند از: «آبی و صورتی» و «برف و نرگس» که به موضوع زنان می‌پردازد. کانون توجه این نویسنده در آثارش، بیان تجربیات زنانه و احساسات زنانه است که هریک به نحوی در چنبره شرایط مرد سالار جامعه به ناهنجاری و چالش فرو افتاده‌اند و هریک تلاش می‌کنند با هنجارشکنی به بیان هویت خود بپردازند. در داستان حضور آبی مینا، طاهره شهابی شرح می‌دهد که چگونه روزی نامش طاهره شهابی بوده اما پس از ورود به خانه مردی که همسرش (مینا) را از دست داده و قرار گرفتن در میدان جاذبه این خانه، آرام آرام از شخصیت اصلی خود تهی می‌شود. او کم کم به مینا تبدیل می‌شود و این مسخ شدن تا بدانجا پیش می‌رود که با شادمانی هویت جدید خود را می‌پذیرد. داستان علاوه بر جنبه فمینیستی، دارای بعد روانشناختی زنانه نیز هست.

امیر حسین چهل تن نیز از داستان نویسانی است که مرکزیت داستان‌های او را زنان تشکیل می‌دهند در مجموعه داستانی چیزی به فردا نمانده (۱۳۷۷) و داستان زن‌های زمستانی، بی‌رحمی مردان و آوارگی زنان که از فصل‌ها جز سرمای زمستان را احساس نمی‌کنند، تم تنهایی و بی‌پناهی زنان به یکدیگر پیوند می‌خورد و مردان برای خود زندگی بهاری و زمستانی را رقم می‌زنند و برای زنان زندگی زمستانی را. چهل تن در مجموعه ساعت پنج برای مردن دیر است (۱۳۸۱) داستان‌های خانوادگی را با اشاره به جدایی و فرار زنان، زنان غریبی که در چشم‌انداز دیگران قرار گرفته‌اند و زنانی که در سرکوبی جنسی قرار دارند، رقم می‌زند. (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

از ویژگی‌های داستان‌های امیرحسین چهل تن، تبحر در نقل آداب و رسوم و بازنمایی شرایط اجتماعی عامه مردم و رای گفتگوی زنان سنتی است. تمام شخصیت‌های اصلی آثار او زن هستند، زن‌هایی که در شرایط و موقعیت‌های گوناگون قرار دارند و «کنش و واکنش‌های» خاص خود را نشان می‌دهند. شخصیت‌های زن آثار او نمونه کاملی از انواع گونه‌های زن ایرانی هستند. وی با نوعی رئالیسم انتقادی به توصیف زندگی خانواده‌های سنتی جنوب شهر تهران می‌پردازد و در این میان، زنان، نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در رمان، «مادر اسفندیار» چهل تن داستان زنی را روایت می‌کند که با اسارت پسرش در چنبره تنهایی و سکوت گرفتار می‌شود. زنی که نمونه کاملی از مادران چشم انتظار ایرانی است مادرانی که اسارت فرزندان و امید به بازگشت آنها را در سکوت تحمل کردند و از درون فرو ریختن خود را می‌دیدند و از بیرون به گونه‌ای دیگر ظاهر می‌شدند.

شهرنوش پاریسی‌پور (متولد ۱۳۲۴ و ساکن آمریکا) از زنان داستان‌نویس و مترجم ایرانی است که از سوی هیجدهمین کنفرانس پژوهش‌های زنان در آمریکا

به عنوان زن سال برگزیده شد. او از نویسندگان پرکاری است که محور و مضمون اصلی رمان‌ها و داستان‌هایش را زنان تشکیل می‌دهند. او در آثار خود، غربت و مظلومیت زنان و دختران را در شکل‌های مدرن رقم می‌زند. او در داستان‌های خود به مسئله زنان و دختران می‌پردازد. رمان‌های او عبارتند از: سگ و زمستان بلند (۱۳۵۵)، طوبا و معنای شب (۱۳۶۸)، عقل آبی (۱۳۷۱)، ماجرای ساده و کوچک روح درخت (۱۳۷۸)، شیوا (۱۳۷۸)، بر بال باد نشستن (۱۳۸۱). مجموعه داستان‌های او عبارتند از: تجربه‌های آزاد (۱۳۵۷) بازچاپ مجد در (۱۳۷۱)، آویزه‌های بلور (مجموعه داستان ۱۳۵۶)، زنان بدون مردان (۱۳۶۸) و آداب صرف چای در حضور گرگ (۱۳۷۲).

مینو نصرت معتقد است: پارسی‌پور با کتاب طوبا و معنای شب و انتخاب اسم‌های رمزآلود شخصیت‌ها و نیز اقتباس از منظومه لیلی و مجنون، شاهکاری خلق می‌کند که بر پیشانی ادبیات معاصر ایران می‌درخشد. اندیشه‌ای که بر این باور است که زنان و مردان تنها در شرایطی قادر هستند در مسیر تعالی و کمال قرار گیرند که شاهین میزان این دو، همزمان آهسته و پیوسته بال بزنند و بتوانند از آسمان به زمین فرود آید و از زمین به آسمان صعود کند (مینو نصرت، ۱۳۸۸، پایگاه اینترنتی زن فردا).

پارسی‌پور تاکید می‌کند، تا زمانی که قادر به فهم و درک حضور زن و مرد درون خود نباشیم، نمی‌توانیم به درک روح جهان و قانونمندی‌هایش نائل شویم. این دو خورشید که یکی از قعر زمین می‌تابد و دیگری از اعماق آسمان تا زمانی که حضور بی‌فاصله و بافاصله خود را نشانند، نخواهند توانست زمین حضور خود را باعشق و زندگی بارور کنند. او در مقاله «چرا می‌نویسم»، می‌گوید: از این رو می‌نویسم چون گویا دارم انسان می‌شوم، کیستم؟ می‌خواهم بدانم که چگونه

باید خدا را در ذهن مجسم کنم، حد شیطان را چگونه تشخیص بدهم؟ اینها را می‌خواهم ببیندیشم، نمی‌خواهم برایم ببیندیشند(پارسی‌پور، ۱۳۶۷: ۲۰).

به نمونه‌هایی از نگرش این داستان به زن و فرهنگ غالب این دوره اشاره می‌گردد:

"به حاجی محمود خان، شوهرش الهام شده بود که حضور زن در خانه او و خشکسالی با یکدیگر در ارتباط هستند(پارسی‌پور، ۱۳۷۲: ۸)".

"پدر طوبی در پنجاه سالگی وقتی زن بی‌سوادش را گرفت، از بی‌شعوری و بلاهتش لذت می‌برد، تنها یک نگاه تند کافی بود تا زن سر جایش ساکت بنشیند."(همان: ۲۳)

"حاجی از نفرت، لب‌هایش را به هم فشرد. با قاطعیت تصمیم گرفت، به زمین گرد است، زنان می‌اندیشند و به زودی بی‌حیا خواهند شد(همان: ۲۶). زنان عادت به اندیشیدن ندارند، زیرا هزاران سال است حق اندیشیدن را از دست داده‌اند، آنها مجبورند به جلوی پایشان نگاه کنند تا به زمین نیفتند(ص ۴۰۳). اگر مرد به دنیا آمده بود، هرگز از دایره عشق پا بیرون نمی‌نهاد، اما زن بود، دست و پایش بسته بود (ص ۶۰)". "هنگامی که دیگر او انسان نیست و مال است، آن وقت برای اینکه مالک لایق‌تری پیدا کند، وسوسه‌گر هم می‌شود... سرنوشت زنانه‌اش خم شدن بود، کوچک شدن بود، تا خوردن بود(ص ۶۱)".

در داستان طوبا و معنای شب، زنان محکوم به سرنوشتی هستند که دیگران برای آنها رقم زده‌اند. حقوقی برای آنان جز فرزندآوری و خدمت به مردان متصور نیست و امیدی هم به رهایی از این زندگی رقت بار وجود ندارد.

داستان کوتاه "پلکان" از ابوتراب خسروی به دلیل وجود عنصر محتوای وجودشناسانه جزو رمان‌های پست‌مدرن محسوب می‌گردد. می‌توان گفت این متن از تسلیم کردن خود به خواننده استنکاف می‌ورزد و بسیاری از خوانندگان نا

آشنا با پسامدرنیسم در مواجهه با داستان‌های نوشته شده به این سبک سردرگم می‌شوند (پاینده، ۱۳۹۰: ۶۱). ماجرای این داستان، آشنایی زن و مردی در پارک است، شخصیت اصلی داستان، خانم مینایی است و بقیه شخصیت‌های داستان با حروف اختصاری نامیده می‌شوند. شخصیت‌هایی که با نامیدن آنان با حروف اختصاری، آنها را تا مرز بی‌هویتی تنزل می‌دهد، همچنان که جامعه پست‌مدرن افراد را بی‌هویت و یکسان می‌انگارد.

خانم مینایی شخصیت اصلی این رمان است که رویدادهای طرح و پیرنگ داستان بر محور احساس و رفتار او شکل می‌گیرد و زاویه دیدی که نویسنده در این داستان انتخاب کرده است، با گرایش تجربیات زنانه انطباق دارد. در این داستان کوتاه، زن موجودی تابع و بدون هویت تصویر نشده است، بلکه او در کانون روایت و نیز در کانون دنیایی قرار گرفته است که خود این روایت برای ما توصیف می‌کند، در حالی که شوهر و فرزند او با نامیده شدن به حروف اختصاری از هویت مستقل برخوردار نمی‌باشند. از این جهت جنبه زنانه‌نگری این داستان پست‌مدرن مورد توجه است.

"و خانم مینایی که فقط کمی شکسته شده، همان طور است که سال‌ها پیش بود و من گاهی در پیاده‌رو خیابان یا در پارک می‌دیدمش. همین دیدارها باعث شد که یکی از شخصیت‌های داستان من باشد (خسروی، ۱۳۸۹: ۳۳)". "من به خانم مینایی گفتم: من بودم که با انتخاب شما به آن حادثه کشاندمتان، ولی زیبایی شما به حادثه شکل داد. (۳۸)".

"زن خوابیده بود، دال به دنیا آمده بود، آقای الف نمی‌دانست که به طرف سیاهچال آخرین نقطه داستان گام برمی‌دارد، کلماتی که مکتوب می‌شد او را به دنبال می‌کشید... ورود شما باعث شد که داستانی عاشقانه بنویسم ولی هر داستان مقدراتی دارد که در دست نویسنده هم نیست (همان: ۳۸)".

"دال میان کلمات و سطرها به دنبال خودش می‌گشت و هنوز هیچ جا نبود. دال گفت من هنوز هیچ جا نیستم(همان: ۴۲).

رمان نقش پنهان(۱۳۷۰) از محمد محمدعلی است. وی از نویسندگان توانا و برجسته رمان‌های فارسی است که رویکرد او در داستان‌هایش به زنان و اهمیت دادن به آنان به عنوان شخصیتی مستقل و دارای هویت و اراده، قابل توجه است. محمدعلی با آثاری چون برهنه در باد، باورهای خیس یک مرده، قصه تهمینه، نقش پنهان و... هم به رئالیسم و هم با به‌کارگیری چندآوایی در داستان، راویان متعدد، عدم قطعیت در داستان و فرجام نامعین در آثارش در زمره نویسندگان پست‌مدرن محسوب می‌گردد.

در رمان «نقش پنهان» شخصیت داستان برای کشف انگیزه قتل پدر و در کنکاشی درونی و بیرونی زنی را می‌یابد که همچون آینه، گذشته او را منعکس می‌کند. در این رمان زندگی چند زن و فرازوفرودهای آن به نمایش گذاشته می‌شود، بلقیس و صفیه نماد زن سنتی و پایبند به هنجارهای مردسالارانه و برعکس دختران صفیه یعنی منصوره و محترم، نماد نسل جدید زنان هستند که از سنت‌ها و هنجارهای جامعه خود فراتر می‌روند و دست به تغییر سرنوشت خود می‌زنند. بنابر این در این داستان با دو گروه از زنان و از دو نسل متفاوت مواجه هستیم: گروهی که هویت و شان و منزلت آنان وابسته به شوهرانشان تصویر می‌شود و در حصار هنجارها و تقدیر و سرنوشت محتوم خود زندگی می‌کنند و گروه دوم از نسلی متفاوت که نوجو و هدفمند با شکستن هنجارها، به آرمان‌های خویش می‌اندیشند(حسینی و جهانبخش، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۷).

این رمان بیان جدال تجدد و سنت نیز هست، جدالی که در آن زن ایرانی می‌کوشد خود را از گذشته و قیود سنت و باورها رها سازد.

بحث و نتیجه گیری

تحلیل محتوا و درونمایه رمان‌های یاد شده، با هدف کشف پیامد فرهنگی فمینیسم در آنها و براساس رهیافت نظری جامعه‌شناسی محتوای اثر ادبی، بیانگر انعکاس گرایش‌های فمینیستی در این رمان‌ها می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد:

۱- در ایران گرایش‌ها و مطالبات زنان در رویکردهای فمینیستی در رمان‌های پست‌مدرن انعکاس یافته است. اصولاً در عرصه نویسندگی زنان حضور خود را با نوشتن رمان آغاز کردند. آنها چه به عنوان نویسنده و چه به عنوان خواننده، سهم عظیمی در شکل‌گیری رمان دارند و از آنجا که فمینیسم و پست‌مدرنیسم هر دو به عنوان جنبشی انتقادی و اعتراضی به مدرنیسم و پیامدهای آن دارای اهداف و وجوه مشترکی می‌باشند، بنابر این رمان‌های پست‌مدرن ظرفیت مناسب‌تری برای بسط و القای اندیشه‌های فمینیستی می‌باشد. پست‌مدرنیسم با طرح سؤالاتی در زمینه جنس و هویت، در واقع چشم‌اندازهای جدیدی را پیش روی فمینیسم گشود و بسیاری از فمینیست‌ها تئوری پست‌مدرنیستی درباره زنان را برای پیگیری مطالبات و حقوق آنان مناسب دیدند. از این رو در دو دهه اخیر شاهد افزایش چشمگیر زنان نویسنده و توجه آنان به گرایش‌های فمینیستی و رمان‌های پست‌مدرن می‌باشیم. علاوه بر رشد حضور چشمگیر زنان در عرصه نویسندگی، بسیاری از نویسندگان مرد نیز در رمان‌های مدرن و پست‌مدرن به موضوع زنان و گرایش‌های فمینیستی در ایران پرداخته‌اند. در حال حاضر به دلیل نوپا بودن پست‌مدرنیسم در ایران، مرز مشخص و دقیقی میان رمان‌های فمینیستی مدرن با پست‌مدرن نمی‌توان قائل شد (چه بسا یک نویسنده، در اثر خود، از

جنبه‌هایی از مدرنیسم و در عین حال برخی از شگردهای پست‌مدرن استفاده کند).

۲- در این رمان‌ها، از نگاه سنتی، زن موجودی خانوادگی توصیف می‌شود که به دلایل مختلف از جمله شیوه تعلیم و تربیت اجتماعی، به طور عمده درگیر با مسائل عاطفی و جهان زنانه و جهان درونی و خانوادگی است. از این رو بخش عمده رمان‌ها در چهارچوب روابط و مناسبات خانوادگی تصویر شده‌اند و چون مناسبات خانوادگی ایرانی، مردسالار توصیف شده است، رهایی از این نظام بسته و چارچوب‌های فرهنگی آن، هدف گرایش فمینیستی این رمان‌هاست. چون در فرهنگ اسلامی و ملی ما، خانواده مهم‌ترین محل تلاقی و تکامل ویژگی‌های زن و مرد و محل آرامش، دوستی و رحمت میان زن و شوهر و فرزندان است و هیچ بنیانی نزد خداوند شریف‌تر از تشکیل خانواده نیست، این موضوع مهم در گرایش‌های فمینیستی رمان‌های پست‌مدرن فارسی از جمله شخصیت و تیپ زنان در رمان «کولی کنار آتش»، «حضور آبی مینا»، «نقش پنهان» و داستان کوتاه «پلکان»، نادیده گرفته می‌شود. گرایش فمینیستی اساساً مخالف پذیرش نقش‌های از پیش تعیین شده برای زنان در خانواده است، آنها تاکید دارند که مهم‌ترین نقش زنانه، تشکیل خانواده و تربیت فرزند نیست، بلکه این شادکامی و رضایت فرد محورانه زنان است که دارای اهمیت است.

۳- در رمان‌های یاد شده، شدت وجود گرایش‌های فمینیستی متفاوت است: در این رمان‌ها می‌توان رگه‌هایی از دو گونه گرایش فمینیستی را مشاهده کرد: گرایش افراطی (با نگاهی کاملاً سیاه و ناامیدکننده) نظیر آثار شهرنوش پارسا پور و منیرو روانی پور و گرایش معتدل (با نگاهی انتقادی به وضعیت زنان در جامعه ایران در فرایند نوسازی عصر حاضر) نظیر آثار سیمین دانشور، ناهید طباطبایی و رضا براهنی که عناصری از هر دو گرایش در متن این رمان‌ها مورد اشاره واقع

شده است، لیکن به دلیل محدود بودن فضای مقاله، درج کامل عبارات و بخش‌های تکراری به عنوان شاهد مثال، امکان پذیر نگردید.

۴- برخی از رمان‌هایی که به موضوع یا مشکلات زنان در جامعه ایران پرداخته‌اند، با نگاه فروکاهنده تنها به جنبه‌های منفی در قشر خاصی از زنان توجه کرده و آن را به کل جامعه تعمیم داده‌اند و یا این‌گونه القا می‌نمایند. از جمله رمان کولی کنار آتش که وضعیت زنان ایران را تماما سیاه و ناهنجار تصویر می‌کند و یا مخملباف در رمان باغ بلور قضاوتی یکسویه و نابه‌جا نسبت به همسران شهدا و رزمندگان دارد. او در این رمان که سراسر با یاس و بدینی توام است، با رقت بار خواندن سرنوشت زنان پس از شهادت و یا جانبازی شوهرانشان ضمن نگاه انتقادی به دفاع مقدس می‌کوشد وابستگی زن به وجود و حضور موثر شوهرانشان (مرد) و نگرش مرد سالاری را القا نماید و در یک نتیجه‌گیری پنهان به برانگیختن واکنش زنان توجه دارد. مخملباف در این رمان نقش ارزنده زنان در حمایت و پشتیبانی از دفاع مقدس و تربیت فرزندان برای حضور داوطلبانه در جنگ و بدرقه کردن شجاعانه مردان برای حضور در جبهه و سایر رشادت‌های عاطفی و احساسی دین‌مدارانه و خلق صبوری‌های شگفت‌انگیز را مورد غفلت و تجاهل قرار داده است. در واقع جنبه‌های ایده‌آلیستی و آرمان‌گرایی دفاع مقدس را به جنبه رئالیستی و ناتورالیستی اجتماع جنگ‌زده تقلیل داده است.

۵- ترویج گرایش‌های فمینیستی و مطالبات زنانه در جامعه ایران هرچند به ظاهر، متضمن برخورداری زنان از حقوق مساوی با مردان است که اسلام نیز بر تساوی حقوق زن و مرد و در عین حال کرامت زن تاکید بسیار دارد اما از آنجا که فلسفه وجودی و خاستگاه جنبش و گرایش‌های فمینیستی بر اندیشه اومانیسم، سکولاریسم و لیبرالیسم و در جهان‌بینی مدرنیسم پایه‌ریزی شده است، این

مکاتب بدون توجه به تفاوت‌های جنسی و توانمندی‌های فیزیکی، زنان را در منظری مردانه برای تولید ثروت در نظام سرمایه و قدرت و ابزاری در فرهنگ مصرف در شبکه رسانه‌ای تعریف و تصویر می‌کنند، با این نگاه، الگوبرداری و ترویج اندیشه‌های تند و افراطی فمینیستی در قالب رمان به عنوان یک رسانه فرهنگی نخبه‌گرا و محرک اجتماعی و انتقال آن به نسل جدید و مخاطبین در جامعه ایران، علاوه بر فرهنگ و هویت ملی و دینی می‌تواند، کیان خانواده و کانون گرم آن برای تربیت فرزند، نقش مادری و همسررداری را مورد آسیب جدی قرار دهد. از این رو ترویج گرایش‌های فمینیستی در رمان‌های پست مدرن فارسی، حامل پیامدهایی فرهنگی و غیرقابل انتظار و در تعارض با فرهنگ جامعه خواهد بود.

۶- هرچند گرایش‌های افراطی و رادیکال فمینیسم با توجه به مبانی فلسفی و نظری این جریان در غرب، با تفسیرهای متفاوت و انحصار طلبانه از این جنبش، موجب شکل‌گیری جریان‌های تند و رفتارهای ناهنجار گردید که نه تنها خواسته و حقوق واقعی زنان را با توجه به ویژگی‌های جنسیتی آنان برآورده نمی‌کند؛ بلکه در نظام سرمایه‌داری مدرنیستی مبتنی بر تولید، زن به مثابه حلقه‌ای از چرخه تولید و در نظام سرمایه‌داری پست‌مدرنیستی مبتنی بر مصرف، هویت زن به مثابه کالای فرهنگی و ابزار جنسی در نظام مصرفی و تبلیغات شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و اقتصادی به گرداب ابتذال و التذاذ سوق داده شد که این جهت‌گیری‌ها، از آرمان اولیه و اهداف اصلی فمینیست برای احقاق حقوق زنان در اروپا نیز فاصله و انحراف گرفت. در ایران نیز گرچه گرایش افراطی فمینیسم و رفتارهایی که تحت عنوان دفاع از حقوق زنان در یک قرن گذشته انجام شده و در رمان‌های فارسی از جمله رمان‌های پست‌مدرن که اشاره شد بسیاری از هنجارها و ارزش‌های جامعه و فرهنگ دینی زنان ایرانی را به سخره و چالش

کشانده است، با این حال نباید این واقعیت را انکار نمود که دفاع از حقوق زنان به معنای دفاع از فمینیسم افراطی نیست، بلکه واقعیت‌های جامعه ایران در سده اخیر بیانگر تضييع حقوق زنان می‌باشد. از این رو افزایش چشمگیر تعداد زنان نویسنده در دهه‌های اخیر، توجه نویسندگان مرد به مسائل زنان، تولید رمان‌های متعدد در بیان تجربیات زنانه، ایجاد تشکل‌های صنفی زنانه و... همه و همه نشان از این واقعیت است که در نگاه سنتی، ساختار اجتماعی و مناسبات فرهنگی جامعه ایران، زنان و حقوق آنان، چندان مورد دغدغه و توجه نبوده است و نوع نگاه به زنان به عنوان جنس دوم، همواره در سایه نظام مردسالار تعریف شده و حمایت واقعی از زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی به یک ارزش تبدیل نشده است. بنابراین طبیعی است که گرایش به فمینیسم و مطالبات زنانه برای برخورداری از حقوق مساوی با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مورد استقبال و توجه قرار گیرد و زنان برای جبران عقب‌ماندگی‌ها، بازیابی هویت، آزادی، نقش آفرینی و تحقق این خواسته‌ها، صدای خود را با روش‌های گوناگون از جمله نوشتن رمان، در جامعه طنین انداز نمایند.

منابع

- ۱- احمدی؛ بابک، (۱۳۷۳)، *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، نشر مرکز چاپ سوم.
- ۲- براهنی؛ رضا، (۱۳۸۴)، *آزاده خانم و نویسنده‌اش*، چاپ دوم یا آشویتس خصوصی دکتر شریفی، انتشارات کاروان.
- ۳- پارسانیا؛ حمید، (۱۳۸۴)، *سیمای زن در خطاب قرآن، فصلنامه بانوان شیعه*، سال دوم.
- ۴- پارسی پور؛ شهرنوش، (۱۳۷۲)، *طوبا و معنای شب*، انتشارات البرز، چاپ چهارم.
- ۵- -----، (۱۳۶۷)، *چرا می‌نویسم*، *مجله آدینه*، شماره ۹۰.۹۱.

- ۶- پاینده؛ حسین، (۱۳۸۱)، سیمین دانشور، شهرزاد پست مدرن ایران. ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۶۳.
- ۷- -----، (۱۳۸۹)، نظریه‌های رمان از رئالیسم تا پسامدرنیسم، انتشارات نیلوفر.
- ۸- ----- (۱۳۷۶)، نقد فمینیستی بر رویای یک ساعته، ادبیات داستانی ۴۷.
- ۹- ----- (۱۳۸۳)، زنان می توانند، نشست نقد رمان پیرزاد، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، دی و بهمن.
- ۱۰- ----- (۱۳۸۶)، رمان پسامدرن چیست، ادب پژوهی شماره ۲.
- ۱۱- پیرزاد؛ زویا، (۱۳۸۳)، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، نشر مرکز، چاپ نهم.
- ۱۲- بشیریه؛ حسین، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی.
- ۱۳- تدینی؛ منصوره، (۱۳۸۸)، پسامدرنیسم در ادبیات داستانی ایران، نشر علمی.
- ۱۴- تسلیمی؛ علی، (۱۳۸۸)، گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران، داستان، نشر آمه، چاپ دوم.
- ۱۵- حسینی؛ مریم، (۱۳۸۴)، روایت زنانه در داستان نویسی زنانه، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، تیرماه.
- ۱۶- ----- جهانبخش؛ فرانک، (۱۳۸۹)، سیمای زن در رمان‌های برگزیده محمد محمد علی با تاکید بر نقد ادبی فمینیستی، پژوهش زنان شماره ۳.
- ۱۷- خسروی؛ ابوتراب، (۱۳۸۹)، دیوان سومنات، داستان کوتاه پلکان، چاپ چهارم، نشر مرکز.
- ۱۸- داد؛ سیما، (۱۳۷۲)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، انتشارات مروارید، چاپ اول.

- ۱۹- دانشور؛ سیمین، (۱۳۷۲)، *جزیره سرگردانی*، انتشارات خوارزمی.
- ۲۰- رضوانی؛ محسن، (۱۳۸۲)، *فمینیسم، مجله معرفت*، شماره ۶۷.
- ۲۱- روانی‌پور؛ منیرو، (۱۳۸۰)، *کولی کنار آتش*، چاپ ششم، نشر مرکز.
- ۲۲- صادقی؛ سمیه، (۱۳۹۰)، *فمینیسم در اندیشه پست‌مدرنیسم*، سایت زندگی نیوز.
- ۲۳- صالحی امیری؛ سیدرضا، (۱۳۸۶)، *مفاهیم و نظریه های فرهنگی*، انتشارات ققنوس.
- ۲۴- صالحی؛ صدیقه، (۱۳۸۵)، *اختلاط و انفکاک در محیط‌های اجتماعی زنانه و مردانه از مبانی اسلام تا فمینیسم پست مدرنیسم*، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۱۰.
- ۲۵- طباطبایی؛ ناهید، (۱۳۷۸)، *حضور آبی مینا*، انتشارات دید، چاپ دوم.
- ۲۶- عسگری؛ عسگر، (۱۳۸۷)، *نقد اجتماعی رمان فارسی*، فرزانه روز.
- ۲۷- فکوهی؛ ناصر، (۱۳۸۶)، *تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی*، نشر نی.
- ۲۸- قادری؛ حاتم، (۱۳۷۹)، *اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم*، تهران، سمت.
- ۲۹- قره‌باغی؛ علی اصغر، (۱۳۸۰)، *تبارشناسی پست مدنیسم*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۳۰- ----- (۱۳۷۸)، *فمینیسم در ادبیات پست مدرن، مجله گلستانه ۱۴*، اسفند.
- ۳۱- مکاریک؛ ایرنا ریما، (۱۳۹۰)، *دانشنامه نظریه‌های ادبی*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، نشر آگه.
- ۳۲- میر صادقی؛ جمال، (۱۳۶۶)، *ادبیات داستانی (قصه، داستان کوتاه، رمان)*، انتشارات شفا.
- ۳۳- میرعابدینی؛ حسن، (۱۳۸۳)، *صد سال داستان نویسی*، تهران، چشمه، چاپ سوم.

- ۳۴- نوذری؛ حسینعلی، (۱۳۸۵)، **صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته**، انتشارات نقش جهان.
- ۳۵- ولی‌زاده؛ وحید، (۱۳۸۷)، **جنسیت در آثار رمان نویسان زن ایرانی**، **مجله نقد ادبی**، شماره ۱.

۱- linda. J.Nicholson: **Femenism/ Postmodernism** (London: Routledge. ۱۹۹۰)